

**حاشیه‌نشینی و تأثیر آن بر توسعه سیاسی-اجتماعی در کلان‌شهر تهران**شهره آریافر<sup>۱</sup> دریافت: ۹۹/۱/۱۲غلامرضا خواجه سروی<sup>۲</sup> پذیرش: ۹۹/۴/۲۹**چکیده**

پژوهش حاضر با هدف تبیین پدیده حاشیه‌نشینی و تأثیر آن بر توسعه سیاسی-اجتماعی در کلان‌شهر تهران انجام شده است. داده‌ها از طریق پیمایش با ابزار پرسش‌نامه و روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و تصادفی، جمع‌آوری شده‌اند. جامعه آماری تحقیق ۳۶۸ شهروند ساکن در دو منطقه حاشیه‌نشین فرحزاد و قلعه میر تهران است. داده‌ها پس از گردآوری و با استفاده از نرم‌افزار SPSS، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. بر اساس آمارهای استنباطی از آزمون‌های پیرسون و رگرسیون استفاده شده است و در نهایت مدل تحلیل مسیر ارائه گردید. یافته‌های تحقیق نشان داد که حاشیه‌نشینی با تقلیل کیفیت زندگی باعث کند شدن توسعه اجتماعی-سیاسی شده است. در بیشترین و قوی‌ترین تأثیر حاشیه‌نشینی بر توسعه سیاسی-اجتماعی، می‌توان به تأثیر مستقیم متغیر آموزش (به میزان ۰/۴۰۰)، مشارکت سیاسی (به میزان ۰/۳۶۵)، کیفیت زندگی (به میزان ۰/۲۹۱)، عدالت و برابری (به میزان ۰/۲۸۷) و سرمایه اجتماعی (به میزان ۰/۲۴۷) اشاره کرد. در مجموع متغیرهای موجود در این تحقیق می‌توانند تا ۷۵ درصد میزان تأثیر حاشیه‌نشینی بر توسعه سیاسی-اجتماعی را توضیح دهند.

**کلمات کلیدی:** حاشیه‌نشینی، توسعه اجتماعی، توسعه سیاسی، کیفیت زندگی و مشارکت

سیاسی.

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۲. استاد گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

## مقدمه و طرح مسئله

حاشیه‌نشینی ریشه در زمان‌های بسیار دور دارد و در قرن‌های گذشته نیز وجود داشته است. در گذشته جابجایی انسان‌ها در مقیاس بسیار کوچک‌تری صورت گرفته است، بنابراین تأثیر آن‌ها بر ساختار اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مناطق مهاجرفرست و مهاجرپذیر چندان قابل ملاحظه نبوده است. امروزه مهاجرت و تبعات آن نظیر حاشیه‌نشینی به پدیده‌های مهم و اساسی جمعیتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده است. این پدیده اجتماعی هم در کشورهای توسعه‌یافته و هم در کشورهای توسعه‌نیافته موجود می‌باشد که البته تفاوت‌هایی از حیث علل تاریخی به وجود آورنده و نحوه رفتار اجتماعی حاشیه‌نشینان دارند. (عابدینی و همکاران ۱۳۹۴: ۱۱) حاشیه‌نشینی عموماً سیمای شهر را بد و زشت می‌نماید و باعث تشدید دوگانگی در جامعه شهری، افزایش فاصله طبقاتی و بسیاری از مشکلات دیگر می‌گردد. ساکنان این محلات عمدتاً مهاجران روستایی و تهی‌دستان شهری هستند که مهارت و تخصص لازم برای جذب شدن در چرخه اقتصادی شهری را ندارند. فقر متمرکز شده در محلات بر روی اطلاعات شبکه‌های اجتماعی و دسترسی به منابع در محلات تأثیر می‌گذارد. این محلات محروم منابع عمومی کمی دارند. (طاهرپور و همکاران ۱۳۹۳: ۲۲)، در نتیجه همین تغییراتی که حاشیه‌نشینی ایجاد می‌کند بر توسعه‌یافتگی منطقه و کشور اثرگذار است و غالباً این جدایی اجتماعی به‌عنوان تهدیدی برای توسعه سیاسی-اجتماعی به شمار می‌رود و به یک بحران برای توسعه‌یافتگی بدل گشته است. «مناطق حاشیه‌نشین به‌طور هم‌زمان شامل افراد عنان‌گسیخته، فقر زیاد، بیکاری، خانوارهای زن سرپرست، دریافت‌کنندگان رفاه، نوجوانان ترک تحصیل کرده می‌باشد.» (Kasarda & Lindsay, 2011: 28) امروزه، نابرابری اقتصادی و اجتماعی پدیده‌ای فراگیر و در حال گسترش است. (لس، ۲۰۱۰: ۲۱). در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، رشد سریع شهرها، سکونتگاه‌های برنامه‌ریزی نشده و با خدمات عمومی ضعیف را ایجاد می‌کند. سازمان‌های بین‌المللی در برآوردهای خود اعلام کرده‌اند که بیش از یک میلیارد نفر از مردم یعنی در حدود ۳۲ درصد جوامع شهرنشین در حاشیه شهرها زندگی می‌کنند. حاشیه‌نشینی در جهان از دهه ۹۰ میلادی شروع به رشد کرده است و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ به بیش از ۲ میلیارد نفر افزایش پیدا کند (Farida, 2013: 35).

پدیده حاشیه‌نشینی نه‌تنها در جهان در حال گسترش است بلکه ایران نیز با چالش ۱۸ میلیون حاشیه‌نشین مواجه است. با در نظر گرفتن این که حدود ۵۵ میلیون نفر از جمعیت ایران شهرنشین هستند. بر اساس آمار ۲۰ میلیون نفر در کشور حاشیه‌نشین هستند و در مناطق حاشیه‌ای و بافت‌های ناکارآمد شهرهای کشور زندگی می‌کنند. (گزارش اجتماعی مجلس، ۱۳۹۴: ۱۲). بنابراین با یک محاسبه ساده مشخص می‌شود که تقریباً یک‌سوم شهروندان ایرانی حاشیه‌نشین هستند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که پدیده حاشیه‌نشینی نه‌تنها با استانداردهای اجتماعی و فرهنگ شهرنشینی مطابقت ندارد، بلکه در مناطق حاشیه شهر به دلیل این که زیرساخت‌های لازم برای بسترسازی شهری توسط مسئولان برای این مناطق در نظر گرفته نشده است و خدمات شهری شامل این مناطق نمی‌شود؛ بنابراین بهداشت شهری، فردی و اجتماعی در این مناطق با مشکل اساسی مواجه می‌شود. در این میان توسعه نامتعادل جغرافیایی دلیلی بر خلق و حفاظت از بی‌عدالتی‌های فردی و جمعی است، بنابراین عامل بی‌عدالتی فضایی و اجتماعی محسوب می‌شود (فستین ۲۰۱۷: ۱۲۱). نگاه امروز جوامع جهانی به موضوع توسعه اجتماعی - سیاسی بسیار متفاوت از دوره‌های گذشته است به گونه‌ای که هرکدام از شاخص‌های کشورهای توسعه‌یافته به یک جایگاه مناسبی دست‌یافته‌اند. در حالی که در کشورهای در حال توسعه این جایگاه بسیار پایین‌تر از سطح جهانی است. (هاشم زهی و رشتیانی ۱۳۹۱: ۵۶)

در ایران در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی سیاست حمایتی در قالب تعاونی‌های مسکن و در ادامه سیاست زمین شهری دنبال شد. پس از جنگ تحمیلی نیز سیاست‌های نظارتی به‌منظور بهبود اسکان غیررسمی و در دوران سازندگی نیز سیاست ایجاد شهرهای جدید دنبال شد. اما هم‌زمان با تأسیس سازمان عمران و بهسازی شهری، سیاست بهسازی طی سال‌های ۱۳۸۲ اجرایی شد و در نهایت با توجه به تجربه‌های نه‌چندان موفق، دوره جدیدی در ساماندهی محلات حاشیه‌نشینی با سیاست توانمندسازی شکل گرفت و تا امروز به‌عنوان سیاست محوری راهنمای عمل برای تغییر وضعیت در دستور کار نهادها قرار گرفت، ولی سیاست‌های چند دهه اخیر به دلایل چندگانه و پیچیده ساختاری در طی زمان قادر نبودند کارآمدی لازم را در عمل به دنبال داشته باشند. سیاست‌ها و برنامه‌های اجرا شده نشان می‌دهد که مکانیسم‌ها و فرایندها در عمل چندان موفق نبوده‌اند و خروجی سیاست‌ها و برنامه‌ها در بستر زمان منجر به کنترل حاشیه‌نشینی نشده است و مشارکت فعال ساکنان محلات حاشیه‌نشین در عمل برای مدیریت مناطق حاشیه‌نشین محقق نشده است. در همین راستا

پژوهش حاضر برحسب اطلاعات جمع‌آوری شده به بررسی تأثیر موضوع حاشیه‌نشینی بر توسعه سیاسی- اجتماعی در دو منطقه حاشیه‌نشین فرحزاد و قلعه میر تهران پرداخته است.

### الف) پیشینه داخلی

برادران و همکاران در تحقیقی با عنوان «حاشیه‌نشینی: تحلیل جامعه‌شناختی مسائل اجتماعی سیاست‌های مسکن و پدیده ی-غیررسمی (بررسی نمونه میان‌آباد، اسلامشهر، تهران)» به این نتیجه رسیدند که به‌واسطه بستر نامطلوب، سیاست‌های مسکن، در قالب رژیم‌های شهری جدید و با حمایت نهادها و سازوکارهای دولتی و جهانی، خود ماهیتی غیررسمی پیدا کرده و بر گسترش حاشیه‌نشینی دامن زده‌اند. در این وضعیت، سیاست‌های مسکن، خود ماهیتی غیررسمی یافته و تبدیل به سازوکاری برای بازتولید غیررسمی و حاشیه‌نشینی در میان محلاتی مانند اسلامشهر شده است. (برادران و همکاران، ۱۳۹۶)

محمد امینی و علیزاده اقدام در تحقیقی با عنوان «تحلیلی بر علل و پیامدهای شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین با نگرش ویژه بر شهر خمین»؛ نشان دادند که مهاجرت از روستاها به اطراف شهر خمین مهم‌ترین مسئله اجتماعی شکل‌دهنده به حاشیه‌نشینی بوده است و پس از آن پسران‌های شهری مانع از ورود افراد به شهرها شده است. همچنین مشخص شد که بین گرایش به مشارکت اجتماعی، سیاسی و احساس حاشیه‌نشینی رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد. (محمد امینی و علیزاده اقدام، ۱۳۹۱)

هاشم زهی و رشتیانی در تحقیقی با عنوان «فرا تحلیل پژوهش‌های حاشیه‌نشینی در کلان‌شهر تهران»، از میان آن‌ها ۱۰ اثر برتر که بیشترین ارتباط با موضوع حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی دارند انتخاب و به فرا تحلیل پرداخته‌اند. از این رو تحقیقات صورت گرفته در این حوزه فاقد همگنی لازم بوده و عمدتاً از طرح پژوهش، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری مناسبی برخوردار نبودند، همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که علل و عوامل سنجش پذیر را از درون تحقیقات گذشته نمی‌توان استخراج کرد راه‌کارها نیز بسیار کلی و مبهم است. (هاشم زهی و رشتیانی، ۱۳۹۱)

### ب) پیشینه خارجی

میهای و همکاران (۲۰۱۸) در تحقیقی با عنوان «توسعه پایدار مناطق حاشیه‌نشین شهری محروم با استفاده از سیاست‌های عمومی مبتنی بر دانش» به موضوع حساس ساکنان مناطق حاشیه‌نشین شهرها اشاره می‌کند و راه‌حلهایی را برای بهبود پارامترهای کیفیت زندگی با دسترسی به شبکه‌های چندرسانه‌ای دانش و اطلاعات ارائه می‌دهد. وی ثابت می‌کند دسترسی به دانش یک ضرورت اولیه برای توسعه پایدار با توجه به حداقل منابع ورودی در برابر حداکثر خروجی‌های است.

بردلی (۲۰۱۸) در تحقیقی با عنوان «از جابجایی تا پایداری شهروندی: تکامل در فهم جامعه، فضای عمومی را در سکونتگاه‌های غیررسمی بوگوتا»، به بعد فضایی می‌پردازد که از طریق فرایند اجتماعی-سیاسی شکل می‌گیرد. هدف این مقاله دوگانه است: بررسی یکی از سکونتگاه‌های غیررسمی کلمبیا در شهر بوگوتا برای بررسی رابطه شهروندی با مشاغل / پایداری و استفاده از این اکتشاف به‌عنوان وسیله‌ای برای استدلال در مورد مناسب بودن شهروندی پایدار هنگام تحقق در سکونتگاه‌های غیررسمی بوگوتا انجام شده است مشاهدات میدانی و تعامل با شهروندان ساکن در شهرک‌های غیررسمی در زمان‌های مختلف در سال‌های ۲۰۱۳، ۲۰۱۴ و ۲۰۱۷ انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد شهروندی پایداری و جابجایی از طریق رویکرد «فرایند» خود به برقراری مکان‌ها و استفاده از شهروندان برای تصویب تغییرات مرتبط است.

لیزهنگ، ۲۰۱۱: در تحقیقی با عنوان «اقتصاد سیاسی اسکان غیررسمی در چین» به موضوع شهرک‌های غیررسمی که تبدیل به منطقه جغرافیایی جذاب شهری در کشورهایی می‌شوند و تغییر سیستماتیک از سوسیالیسم را به رژیم‌های نولیبرالی تجربه می‌کنند. همچنین رویکرد سیاست را نسبت به رسمیت دادن به چنگ جونگ کون (ها) و مقابله با توسعه مجدد دولت توضیح می‌دهد. تجزیه و تحلیل وی نشان می‌دهد که چگونه بی‌نظمی فضایی به وسیله تعامل منافع اقتصادی و ملاحظات سیاسی در یک اقتصاد پساسوسیالیستی با حفظ دوگانگی روستایی-شهری مالکیت زمین و کنترل شهروندی شهری شکل می‌گیرد و توسعه سیاسی را با چالش عمده مواجه می‌کند.

فاریدا (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر ارتقای شهری بر ایمنی در سکونتگاه‌های غیررسمی» به بررسی چگونگی تغییرت فضای شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی و تأثیر

آن بر کیفیت زندگی و سلامت ساکنان حاشیه‌نشین می‌پردازد. این بررسی شامل ۱۴۱ نفر از ساکنان بوکال بود (بوکال، قدیمی‌ترین ناحیه غیررسمی در باتنا، شهر میانه‌ای در الجزایر است.) و ساکنان محلی برای جمع‌آوری سطح ایمنی در نظر گرفته شده انتخاب شدند. این تحقیق نتیجه‌گیری می‌کند که ارتقاء شهری کیفیت زندگی را بهبود می‌بخشد و تأثیر مثبتی بر درک ایمنی در حل و فصل دارد و نتیجه می‌گیرد که ارتقای شهری بر کیفیت زندگی و سلامت ساکنان تأثیر مثبت دارد.

ممدوح و همکاران (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «از سکونتگاه‌های غیررسمی به جوامع پایدار»، به محلات غیررسمی شهری به‌عنوان مشکل جدی و شایع در کشورهای جهان سوم پرداخته و راه‌حلی را از طریق بررسی نیازها و پتانسیل‌های محلی برای یک مطالعه موردی انتخاب شده به نام «هوود ۱۰» در اسکندریه دارد. تجزیه و تحلیل وضعیت فعلی و چالش‌ها در «هوود ۱۰» در سه سطح بررسی می‌شود؛ اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیست. این تحقیق همچنین نقش سازمان‌های غیرانتفاعی و مشارکت اجتماعی در توسعه چنین مناطق را برجسته می‌سازد.

### چارچوب نظری

وسعت و پیچیدگی دنیای انسانی، انبوهی اطلاعات در جهان کنونی، آدمی را با واقعیت‌های متفاوتی روبه‌رو می‌نماید که شناخت بخشی از این پدیده‌های خاص نیازمند چارچوب نظری مشخصی می‌باشد تا محقق از زاویه‌ای خاص به شناخت و تبیین واقعیت‌ها بپردازد و از سردرگمی‌هایی یابد. چارچوب نظری این تحقیق برگرفته از رهیافت تلفیقی است که به بررسی حاشیه‌نشینی و تأثیر آن بر توسعه سیاسی-اجتماعی می‌پردازد.

به عقیده برخی از صاحب‌نظران شهرسازی و مدیریت شهری حاشیه‌نشینی شامل ساکنین آن بخش از نواحی پیرامون شهرها می‌شود که در محدوده اقتصادی شهر سکونت داشته ولی جذب اقتصاد شهر نشده‌اند. (غلامی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۰). محله حاشیه‌نشین جایی است که هنگام آمارگیری بیش از ۵۰٪ جمعیت آن محله پایگاه اجتماعی-اقتصادی جدا از اکثریت مردم شهر تعلق داشته باشند (ازکیا، ۱۳۸۹: ۵۱). حاشیه‌نشینان افرادی هستند که از حالت تولیدی گذشته خود بیرون آمده و به‌صورت مازاد نیروی انسانی در حاشیه شهرها که

مملو از مهاجرین است سکنی گزیده‌اند آنان عمدتاً به شکل مازاد نیروی انسانی از روستاها و شهرهای کوچک به این منطقه جذب شده‌اند. (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰)

### نظریات مرتبط با دلایل شکل‌گیری حاشیه‌نشینی

در ارتباط با علت‌یابی و شناخت زمینه‌های ایجاد حاشیه‌نشینی، سیاست‌های و نحوه برخورد با حاشیه‌نشینی و همچنین حاشیه‌نشینی و توسعه نظریه‌های متفاوتی ارائه شده است. این نظریه‌ها، اگرچه تا حد زیادی ناشی از وجوه مختلف حاشیه‌نشینی هستند، اما گرایش صاحب‌نظران به دیدگاه‌ها و مکتب‌های فکری گوناگون، سهم مهمی در این امر دارد. مانوئل کاستل درباره‌ی گروه‌های حاشیه‌ای در شهرهای در حال توسعه می‌گوید: شهرنشینی با آهنگ شتابنده‌ای گسترش می‌یابد و امکانات و تسهیلات زیربنایی و اجتماعی شهری نیز متناسب با افزایش جمعیت شهرها تأمین نمی‌شود و در اثر کمبود تسهیلات زیربنایی اجتماعی و فیزیکی، سکونت‌گاه‌ها و محله‌های نامتعارف از قبیل زاغه‌ها و آلونک‌های حاشیه‌ای که از طریق مهاجران تازه‌وارد و تهی دست برپاشده به وجود می‌آیند. اندیشمندان مکتب جامعه‌گرا، پیدایش گروه‌های فقیر و حاشیه‌ای در جامعه شهری کشورهای در حال توسعه را ناشی از عملکرد طبیعی تضاد کار و سرمایه دانسته‌اند و نتیجه این عملکرد انباشت سرمایه در شهر، رشد نامتعادل اقتصادی و بروز تضادهای اجتماعی بین شهر و روستاست. (حاج یوسفی، ۱۳۸۱: ۱۸۹) پل میدوز معتقد است که در شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه، حاشیه‌نشینی وجود دارد و چون این شهرها با حجم عظیم مهاجران روستایی روبه‌رو هستند، به‌عنوان یک متوقف‌کننده در مورد آن‌ها عمل می‌کنند. بعضی از مهاجران نمی‌توانند از دروازه طلایی شهر عبور کنند و خود را با شهر تطبیق دهند و در نتیجه، پشت دروازه‌های شهر به‌صورت غیررسمی اسکان پیدا می‌کنند. (عریضی و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۰۷) گر نقطه‌عزیمت خود را برای تحلیل بی‌سامانی مدنی، محرومیت نسبی قرار می‌دهد. وی محرومیت نسبی را درک کنشگر از تفاوت میان توانایی‌های ارزشی<sup>۱</sup> و انتظارات ارزشی<sup>۲</sup> می‌داند. انتظارات ارزشی عبارت‌اند از منافع و شرایطی از زندگی، که مردم خود را در به دست آوردن آن ذی‌حق می‌دانند. محرومیت ناشی از بلندپروازی یا محرومیت آرزویی در این‌گونه محرومیت، توانایی‌های ارزشی به‌طور نسبی ایستا باقی مانده ولی انتظارات افزایش یافته و تشدید می‌شوند. (گر ۱۳۷۷: ۷۹-۷۴)

رهیافت زیست در حاشیه: میشل فوکو، حاشیه‌نشینی را بازگوکننده وضعیت گروه‌ها و افرادی می‌داند که از حلقهٔ فعال و اصلی یک جامعه رانده‌شده‌اند و به‌عنوان «دیگری» مورد توجه قرار می‌گیرند؛ لذا در پیکره یک اجتماع انسانی شهری، وضعیت «زیست متنی» و «زیست حاشیه‌ای» دیده می‌شود. به عبارت دیگر گروه‌ها و طبقاتی که مسلط بر منابع کمیاب اجتماعی شهری‌اند به موقعیت «زیست در متن» دست می‌یابند و در حیات جمعی نقش ایفا می‌کنند. این خود مستلزم به حاشیه رانده‌شدگی گروه‌ها و طبقاتی است که در وضعیت «زیست در حاشیه» به سر می‌برند و در گسترهٔ فعالیت‌های شهری نقشی نیمه فعال یا غیرفعال دارند. زندگی حاشیه‌نشینی و کنش متقابل اعضای آن‌ها با یکدیگر عامل به وجود آورندهٔ فرهنگ خاصی است که با فرهنگ حاکم جامعه تفاوت دارد. خرده‌فرهنگ زاغه‌ای از افرادی تشکیل یافته، که کم‌وبیش مشکلات مشابهی دارند و ارتباطات آن‌ها با یکدیگر، ارزش‌ها و گرایش‌های جدیدی را به وجود می‌آورد. بنابراین بسیاری از رفتارهایی که در فرهنگ حاکم جامعه، ناهنجار و یا انحرافی تلقی می‌شود در این مکان‌ها عادی می‌باشد. (ربانی، ۱۳۸۵: ۹۵)

نظریه وابستگی و ساختارگرایی: آنچه در این مطالعه بر آن تمرکز هست، این است که توسعه‌نیافتگی در میان شهروندان مناطق حاشیه‌ای بیشتر از تضعیف وضعیت زندگی آن‌ها ناشی می‌شود در نتیجه توسعه اجتماعی - سیاسی با مشکل مواجه می‌شود. بنابراین این احساس در شهروندان به وجود می‌آید که به خواسته‌ها و نیازهای اقتصادی و فرهنگی خود نرسیده‌اند و این احساس خود را در قالب رفتارهای خشونت‌آمیز نشان می‌دهند. نظریه پردازان و متفکران مکتب وابستگی و ساختارگرایان عقب‌ماندگی کشورهای در حال توسعه را معلول پیشرفت اقتصادی کشورهای توسعه یافته کنونی می‌دانستند که به موازات رشد نامتعادل، نابرابری درآمدها افزایش می‌یابد و عدم تعادل‌های ساختاری جامعه شدت می‌یابد و برآیند عملکرد توسعه وابسته، پیدایش شکاف طبقاتی میان شهر و روستا و در نتیجه ظهور گروه‌های حاشیه‌نشین شهری است.

### نظریه حاشیه‌نشینی و توسعه سیاسی - اجتماعی

پل سینجر به تبیین پدیده حاشیه‌نشینی در شهرها با توجه به شرایط اجتماعی - اقتصادی و سیاسی می‌پردازد. پدیدهٔ گسترش شهر را همواره با در نظر گرفتن شرایط تاریخی حاکم بر پویای اقتصادی اجتماعی هر منطقه قابل تبیین می‌دانند. اوضاع و احوال شهری حاکم



در ممالک توسعه‌نیافته ناشی از عقب‌ماندگی و عدم تحول مناسبات تولید و روابط اجتماعی این کشورهاست. نابرابری بر تاریخ جدید حاشیه‌نشینی مقدم است. از سپیده‌دم شکل‌گیری شهرها، گروه‌های معینی از ساکنان شهری از دسترسی محدود به فرصت‌های اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و سیاسی رنج‌برده‌اند، که دسترسی به این فرصت‌ها و امکانات برای سایر گروه‌ها امکان‌پذیر بوده است، هرچند، ماهیت و مفهوم محدودیت در میان مکان‌ها و در طول زمان‌ها متفاوت بوده است. افزون بر فقر، نابرابری نمایانگر مهم‌ترین ویژگی شهرهای بزرگ جهان سوم است و عموماً حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه به‌عنوان مکان‌های پر مسئله و مملو از بحران‌های جدی، شکست برنامه‌های حکومت‌ها و نابرابری مورد توجه قرار می‌گیرند. (هاشم زهی و رشتیانی ۱۳۹۱: ۴۶)

در توسعه سیاسی نهادهای حکومتی، وظیفه‌دارند که با حفظ نظم، اجرای عدالت و حفظ جامعه در قبال بیگانگان زمینه را برای استفاده مشروع از قدرت به‌منظور استقرار نظام اجتماعی و غالباً اجرای این قبیل کارکردها آماده سازند. در توسعه سیاسی اهداف و آرمان‌هایی مانند دموکراسی، آزادی، حقوق بشر مورد توجه است و در واقع با دقت نظر می‌توان دریافت که توسعه سیاسی، آرمان‌های خرد یعنی آزادی‌های فردی و حقوق فردی را هدف‌گذاری کرده است. (وفایی، ۱۳۹۳: ۸۰) لوسین پای توسعه سیاسی را افزایش ظرفیت نظام در پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های مردم، تنوع ساختاری، تخصصی شدن ساختارها و همچنین افزایش احساس آزادی و مشارکت سیاسی می‌داند. (زمردبخش، ۱۳۹۳: ۵) آیزنشتات و دیامنت توسعه سیاسی را با توانایی نظام سیاسی برای برقراری عدالت و برابری و رشد و تطابق با تقاضاهای جدید مترادف می‌دانند. (حسینی مرام، ۱۳۹۴: ۴۴) جامعه‌ای به توسعه سیاسی دست می‌یابد که از حالت سنتی خارج شود و به‌صورت مدرن درآید. (پزشکی، ۱۳۹۵: ۱۱) پیدایش و رشد دموکراسی کشمکش طولانی و ناتمام برای دستیابی به سه هدف است: ۱- محدود کردن قدرت حکام خودکامه؛ ۲- نهادن قوانین و مقررات عقلایی و عادلانه به‌جای مقررات خودسرانه؛ ۳- سهیم شدن طبقات پایین جامعه در تصمیم‌گیری‌ها. (مور، ۱۳۶۹: ۹)

اندیشمندان مکتب لیبرال بیشتر بر جنبه‌های اجتماعی، فیزیکی و اقتصادی اسکان غیررسمی تأکید دارند. آنان اعتقاد دارند که تراکم شدید جمعیت، عامل اصلی فقر و عقب‌ماندگی در کشورهای در حال توسعه است و افزایش جمعیت، هرگونه کوشش برای توسعه اجتماعی

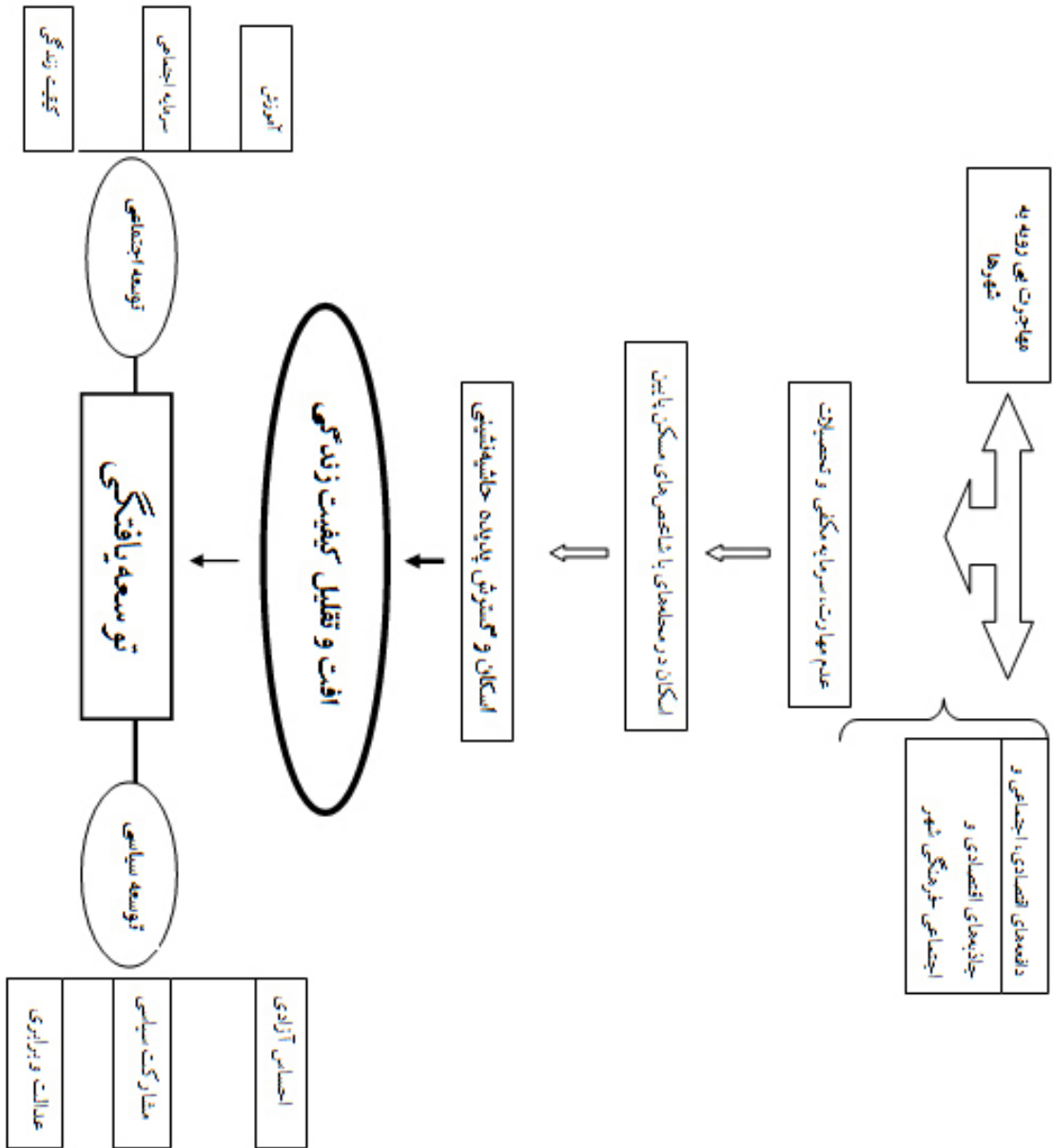
و بهبود سطح زندگی (مسکن، اشتغال، درآمد) و محو پدیده فقر و حاشیه‌نشینی در این کشورها را بی‌نتیجه می‌گذارد. توسعه اجتماعی بیانگر پدیده بهزیستی کلیه افراد جامعه است. (پوراابراهیمی، ۱۳۹۲: ۷۳) توسعه اجتماعی یکی از ابعاد اصلی پروسه توسعه و بیانگر کیفیت سیستم اجتماعی در راستای دستیابی به عدالت اجتماعی، ایجاد یکپارچگی و انسجام اجتماعی، افزایش سرمایه اجتماعی، کیفیت زندگی و ارتقاء کیفیت انسان‌ها با آموزش و پرورش آن‌ها می‌باشد. (کلانتری، ۱۳۷۷: ۲۱۱)

از جمله شاخص‌های توسعه اجتماعی، کیفیت زندگی است که در میان رویکردهای ساختاری برخی بر شرایط زندگی و کیفیت زندگی تمرکز دارند. برخی نیز بر نسبیّت فرهنگی کیفیت زندگی تأکید دارند. این دسته از رویکردها چندبعدی هستند و به‌طورجدی بر فرآیندهای علی و برهم‌کنشی اجتماعی و به‌ویژه بر نقش اساسی پوشش‌های اقتصادی - اجتماعی و روابط اجتماعی تمرکز دارند «آن‌ها در سطح فردی میان جنبه‌های شناختی و عاطفی رفاه ذهنی و میان ابزار (منابع و ظرفیت‌ها) و اهداف یا دستاوردهای (شرایط زندگی) رفاه عینی تمایز قائل می‌شوند. همچنین در سطح اجتماعی، دو سازه اصلی کیفیت زندگی را همبستگی اجتماعی و تداوم‌پذیری<sup>۳</sup> می‌دانند». (فیلیس، ۲۰۰۶: ۱۶۷)

بر اساس ادبیات موجود، سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموعه‌ای از هنجارها و قوانین و شبکه‌های غیررسمی که همراهی، اعتماد و کنش جمعی برای به دست آوردن کالای عمومی را فراهم می‌آورد. (Maru, McAllister & Smith 183: 2007) و شامل جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی که کنش جمعی را تسهیل کرده است می‌شود. (Suzuki, 2010:1368) و منابعی را برای دستیابی مردم به اهدافشان در اختیار می‌گذارد. (Chuang 1322:2008)

شهرنشینی شتابانی که در کشورهای در حال توسعه، در نتیجه مهاجرت از محیط‌های کوچک شهری و روستایی تحت تأثیر دافعه‌های اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی زادگاه خود و جاذبه‌های اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی شهر در جریان است، بخش درخور توجهی از آن در ایجاد و گسترش حاشیه‌نشینی منتهی می‌شود. نظریه‌پردازانی مانند استاکس در رویارویی با این چالش دو جنبه بیم و امید را به منظر شناخت نیروهای ارتقادهنده و یا تنزل دهنده شناسایی کرده است. استاکس، به ترسیم مرز مشخصی بین جوامع فقیر گروه آلودگی‌های امید (توسعه‌یافته یا در حال توسعه و رو به ترقی) و در مقابل آلودگی‌های یاس (رو به زوال و توسعه‌نیافته) پرداخت.

منظور استاکس از آلودگی‌های امید سکونت‌گاه‌هایی بود که روند رو به رشد و آینده موفقی را پیش روی داشتند که توسعه یافته می‌شوند و برخلاف آن آلودگی‌های یأس چشم‌اندازی روشن از ارتقا و بهبود را نشان نمی‌دهند و به تعبیری در قهقرا و زوال قرار داشتند. کلینارد معتقد است حاشیه‌نشینی، خرده‌فرهنگی با مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهاست که در محله‌ای با بهداشت کم، انحرافات اجتماعی و ویژگی‌های دیگر از جمله فرسایش سرمایه اجتماعی همراه است. در پژوهش حاضر با تکیه بر چنین رویکردی کوشش در جهت شناسایی تأثیر حاشیه‌نشینی بر توسعه اجتماعی-سیاسی انجام می‌گیرد. بنابراین، برای انطباق فرضیات تحقیق



حاشیه‌نشینی و تأثیر آن بر توسعه سیاسی-اجتماعی در کلان‌شهر تهران

با نظریات موجود، مدل تحقیق به شکل زیر ترسیم و ارائه می‌شود:

### پرسش‌های تحقیق

#### سؤال اصلی

حاشیه‌نشینی چه تأثیری بر توسعه اجتماعی-سیاسی در کلان‌شهر تهران داشته است؟

#### سؤالات فرعی

۱. حاشیه‌نشینی چه تأثیری بر میزان آزادی افراد در مناطق حاشیه‌نشین داشته است؟
۲. حاشیه‌نشینی چه تأثیری بر کیفیت زندگی افراد در مناطق حاشیه‌نشین داشته است؟
۳. حاشیه‌نشینی چه تأثیری بر میزان مشارکت سیاسی افراد در مناطق حاشیه‌نشین داشته است؟
۴. حاشیه‌نشینی چه تأثیری بر آموزش افراد در مناطق حاشیه‌نشین داشته است؟
۵. حاشیه‌نشینی چه تأثیری بر سرمایه اجتماعی افراد در مناطق حاشیه‌نشین داشته است؟
۶. حاشیه‌نشینی چه تأثیری بر احساس اجحاف و نابرابری افراد در مناطق حاشیه‌نشین داشته است؟

### فرضیه‌های تحقیق

#### فرضیه اصلی

حاشیه‌نشینی با تقلیل کیفیت زندگی باعث کند شدن توسعه اجتماعی-سیاسی شده است.

#### فرضیه‌های فرعی

۱. حاشیه‌نشینی بر میزان آزادی افراد در مناطق حاشیه‌نشین تأثیر داشته است، به طوری که مانع تحقق آن شده است.
۲. حاشیه‌نشینی بر کیفیت زندگی افراد در مناطق حاشیه‌نشین تأثیر داشته است،

- به طوری که عموماً کیفیت زندگی مطلوبی ندارد.
۳. حاشیه‌نشینی بر میزان مشارکت سیاسی افراد در مناطق حاشیه‌نشین تأثیر داشته است، به طوری که مشارکت سیاسی را تضعیف نموده است.
  ۴. حاشیه‌نشینی بر آموزش افراد در مناطق حاشیه‌نشین تأثیر داشته است، به طوری که حاشیه‌نشینان از نظر مؤلفه‌های آموزشی ضعیف هستند.
  ۵. حاشیه‌نشینی بر سرمایه اجتماعی افراد در مناطق حاشیه‌نشین تأثیر داشته است، به طوری که سرمایه اجتماعی افراد را متزلزل نموده است.
  ۶. حاشیه‌نشینی بر احساس عدالت و برابری افراد در مناطق حاشیه‌نشین تأثیر داشته است، به طوری که افراد در این مناطق احساس اجحاف و نابرابری دارند.

### روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر نوع تحقیق، در دسته تحقیقات بنیادی و کاربردی و همچنین بر اساس نحوه گردآوری و تحلیل داده‌ها، تلفیقی است. در این پژوهش، اثبات فرضیات از طریق مطالعه اسناد و مدارک و انطباق واقعیات و مستندات با یکدیگر انجام شده است. از این رو مبانی و چهارچوب نظری تحقیق، مهم‌ترین بخش از مطالعات را تشکیل می‌دهد و از مطالعات میدانی جهت نظرسنجی و پرسش‌نامه برای گردآوری داده‌ها جهت آزمون فرضیه‌های تحقیق استفاده شده است. از طریق این مطالعات به تدوین پرسش‌نامه و طراحی شاخص‌های تحقیق با موضوع حاشیه‌نشینی و تأثیر آن بر توسعه سیاسی-اجتماعی در کلان‌شهر تهران پرداخته شده است. جامعه آماری تحقیق شامل ساکنین در مناطق حاشیه‌نشین تهران است، با توجه به زیاد بودن تعداد جامعه آماری، از مناطق حاشیه‌نشین فرحزاد و قلعه میر در شهرستان بهارستان نمونه آماری انتخاب شد. در این زمینه با استفاده از روش نمونه‌گیری مورگان، ۳۶۴ نفر به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شده است.

روش نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای در محله قلعه میر در شهرستان بهارستان و محله فرحزادی که در سطوح متفاوت اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و فرهنگی قرار دارند، انجام شد. سپس با مراجعه به درب منازل پرسش‌نامه توزیع و تکمیل شد.

در این تحقیق برای سنجش میزان روایی پرسش‌نامه، از نظرات کارشناسان و صاحب‌نظران

مرتبط با حاشیه‌نشینی و توسعه بهره گرفته شده است. میزان روایی و اعتبار پرسش‌نامه نظرسنجی به عمل آمد و پرسش‌نامه نهایی مورد تأیید آن‌ها قرار گرفت. همچنین در این تحقیق از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. طبق فرمول آلفای کرونباخ ضریب پایایی پرسش‌نامه باید بیش از ۰,۷۰ باشد. این در حالی است که محاسبه پایانی پرسش‌نامه با ضریب ۸۴۲ درصد نشان دهنده درجه پایایی بالا و قابل قبول است.

با استفاده از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های پیرسون و رگرسیون رابطه متغیرها مشخص شد. سپس با استفاده از روش تحلیل مسیر نقش و تأثیر حاشیه‌نشینی بر توسعه اجتماعی - سیاسی مورد تحلیل قرار گرفت.

برای بررسی نرمال بودن داده در این پژوهش از روش شاپیرو و ویلک ۱ استفاده شده است. در این آزمون اگر سطح معنی‌دار برای متغیرها بیشتر از ۰/۰۵ باشد داده‌ها نرمال بوده و از آزمون‌های پارامتریک برای بررسی داده‌ها استفاده می‌شود ولی اگر سطح معنی‌دار آزمون کمتر از آن باشد داده‌ها نرمال نمی‌باشند و باید از آزمون‌های ناپارامتریک برای بررسی داده‌ها استفاده نمود. به دلیل توزیع نرمال از ضریب پیرسون استفاده می‌شود و متغیرها در سطح فاصله‌ای/نسبی می‌باشند. در جدول زیر نتایج آزمون شاپیرو و ویلک نشان داده شده است.

جدول شماره (۱) نتایج آزمون نرمال بودن داده‌ها

متغیر مورد بررسی	درجه آزادی	سطح معنی داری	نتیجه
احساس آزادی	۳۶۵	۰/۲۷۲	نرمال است
کیفیت زندگی	۳۶۵	۰/۰۸۲	نرمال است
مشارکت سیاسی	۳۶۵	۰/۱۲۹	نرمال است
عدالت و برابری	۳۶۵	۰/۲۵۰	نرمال است
سرمایه اجتماعی	۳۶۵	۰/۰۶۶	نرمال است

نرمال است	۰/۱۱۲	۳۶۵	سطح آموزش
نرمال است	۰/۱۴۰	۳۶۵	حاشیه نشینی

با توجه به نتایج جدول بالا مشاهده می‌شود که تمامی متغیرهای پژوهش توزیعی نرمال داشته و برای بررسی آن‌ها از آزمون پیرسون استفاده می‌شود.

### متغیرهای پژوهش و تعاریف واژگان و اصطلاحات تخصصی

حاشیه‌نشینی: به عقیده برخی از صاحب‌نظران شهرسازی و مدیریت شهری حاشیه‌نشینی شامل ساکنین آن بخش از نواحی پیرامون شهرها می‌شود که در محدوده اقتصادی شهر سکونت داشته ولی جذب اقتصاد شهر نشده‌اند. (غلامی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۲) حاشیه‌نشینی نوعی زندگی است که با شیوه رایج زندگی شهری و روستایی متفاوت بوده و با ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی مخصوص به خود بافت فیزیکی معینی به وجود آورده است که با ساکنین بافت اصلی شهر زندگی می‌کنند. (بنی فاطمه و کوهی، ۱۳۸۶) محله حاشیه‌نشین جایی است که هنگام آمارگیری بیش از ۵۰٪ جمعیت آن به پایگاه اجتماعی - اقتصادی جدا از اکثریت مردم شهر تعلق داشته باشند (ازکیا، ۱۳۸۹).

توسعه سیاسی - اجتماعی: لوسین پای توسعه سیاسی را افزایش ظرفیت نظام در پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های مردم، تنوع ساختاری، تخصصی شدن ساختارهای و همچنین افزایش مشارکت سیاسی می‌داند. (زمردبخش، ۱۳۹۳: ۵) آیزنشتات و دیامنت توسعه سیاسی را با توانایی نظام سیاسی برای رشد و تطابق با تقاضاهای جدید مترادف می‌دانند. (حسینی مرام، ۱۳۹۴: ۴۴) توسعه اجتماعی بیانگر پدیده بهزیستی کلیه افراد جامعه است که مقوله‌ای کمی و قابل اندازه‌گیری نیست. (پورابراهیمی، ۱۳۹۲: ۷۴) استس با تأکید بر دو بعد اقتصاد و آزادی، توسعه اجتماعی را حوزه‌ای میان‌رشته‌ای و میان بخشی دانسته است که در جستجوی بهبود رفاه مادی و اجتماعی مردم در همه سطوح جامعه است (فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۲) توسعه اجتماعی یکی از ابعاد اصلی پروسه توسعه و بیانگر کیفیت سیستم اجتماعی در راستای دستیابی به عدالت اجتماعی، ایجاد یکپارچگی و انسجام اجتماعی، افزایش کیفیت زندگی و ارتقاء کیفیت انسان‌ها می‌باشد. (کلانتری، ۱۳۷۷: ۲۱۱) در این تحقیق منظور از توسعه سیاسی - اجتماعی میزان احساس آزادی، کیفیت زندگی، مشارکت سیاسی، عدالت و برابری، سرمایه اجتماعی و سطح آموزش، مناطق حاشیه‌نشین در جامعه فعلی در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.



## یافته‌های پژوهش

### یافته‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

نتایج حاصل از پرسش‌نامه که در میان ۳۶۸ نفر از حاشیه‌نشینان شهر تهران، توزیع شد، نشان می‌دهد، میانگین سن پاسخگویان ۴۱ سال است. کم سن‌ترین ۱۷ و مسن‌ترین ۸۲ سال است. از نظر سطح تحصیلی ۱۸/۱ درصد از پاسخگویان بی‌سواد هستند. ۲۴/۹ درصد زیر دیپلم، ۴۴/۴ دیپلم و ۱۲/۵۶ لیسانس و بالاتر هستند. بنابراین بیشتر افراد تحصیلاتشان در حد دیپلم است. از نظر وضعیت تأهل پاسخگویان، ۶۸/۱ درصد از پاسخگویان را افراد متأهل تشکیل می‌دهند و ۳۱/۹ درصد از پاسخگویان مجرد هستند. بیشتر پاسخگویان مرد هستند که ۶۵/۵ درصد از پاسخگویان را تشکیل می‌دهند. ۳۴/۵ درصد هم زن هستند. ۱۱/۹ درصد از پاسخگویان مرد هستند. ۳۰/۴ درصد از پاسخگویان دارای درآمد زیر یک میلیون هستند، ۳۶ درصد یک تا یک و نیم میلیون، و ۲۵/۷ درصد یک و نیم تا دو میلیون و ۷/۹ درصد هم بیش از دو میلیون درآمد دارند. ۵۷/۱ درصد از پاسخگویان مالک هستند. و ۴۱/۷ درصد از پاسخگویان مستأجر هستند و ۱/۲ درصد هم وضعیت مسکن خود را مشخص نکرده‌اند.

از نظر مدت سکونت در مسکن کنونی نیز ۸/۹ درصد از پاسخگویان مدت سکونت آن‌ها کمتر از یک سال، ۵۰/۸ یک تا پنج سال، ۲۷/۴ بین پنج تا ده سال، ۱۲/۸ بالاتر از ده سال در آن مکان سکونت دارد. بنابراین بیشترین مدت سکونت بین یک تا پنج سال است.

### نتایج تحلیل استنباطی

جدول زیر نشان‌دهنده رابطه بین متغیرهای مستقل در دودسته تأثیر توسعه اجتماعی (کیفیت زندگی، سطح آموزش و سرمایه اجتماعی)، و توسعه سیاسی (مشارکت سیاسی، احساس آزادی و عدالت و برابری) با «اثرات حاشیه‌نشینی»، به‌عنوان متغیر وابسته است که از آزمون‌های مرتبط استفاده شده است، نتیجه آزمون‌ها به‌طور خلاصه در جدول زیر آمده است:

جدول شماره (۲) نتیجه آزمون فرضیه‌ها

ردیف	فرضیه	نوع آزمون	سطح معناداری	ضریب	قبولی یا ردی
۱	حاشیه‌نشینی بر احساس آزادی	پیرسون	۰/۳۳۱	-۰/۰۵۱	رد
۲	حاشیه‌نشینی بر کیفیت زندگی	پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۳۳۴	تأیید
۳	حاشیه‌نشینی بر مشارکت سیاسی	پیرسون	۰/۰۰۲	۰/۱۶۶	تأیید
۴	حاشیه‌نشینی بر سطح آموزش	پیرسون	۰/۰۴۳	۰/۱۰۶	تأیید
۶	حاشیه‌نشینی بر سرمایه اجتماعی	پیرسون	۰/۰۱۳	۰/۱۲۹	تأیید
۷	حاشیه‌نشینی بر عدالت و برابری	پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۲۶۹	تأیید

نتیجه آماری تأثیر حاشیه‌نشینی بر توسعه اجتماعی: در رابطه با تأثیر متغیر حاشیه‌نشینی در بعد توسعه اجتماعی بر کیفیت زندگی ساکنین طبق آزمون ضریب همبستگی پیرسون (I) برابر با  $(I=۳۳۴)$  و سطح معناداری  $(۰/۰۰۰)$  نشان از معناداری رابطه حاشیه‌نشینی و کیفیت زندگی ساکنین می‌باشد. در رابطه با تأثیر متغیر حاشیه‌نشینی بر سطح آموزش؛ ضریب پیرسون (I) این آزمون برابر با  $(I=۱۰۶)$  و سطح معناداری  $(۰/۰۰۰)$  است که نشان‌دهنده رابطه در جهت مثبت است. به این معنا که حاشیه‌نشینی در توسعه اجتماعی بر سطح آموزش تأثیر داشته است. همچنین در رابطه با تأثیر متغیر حاشیه‌نشینی بر سرمایه اجتماعی؛ ضریب پیرسون (I) این آزمون برابر با  $(I=۱۲۹)$  و سطح معناداری  $(۰/۰۰۰)$  است که نشان‌دهنده رابطه در جهت مثبت است. به این معنا که حاشیه‌نشینی در توسعه اجتماعی بر سرمایه اجتماعی تأثیر داشته است. در نتیجه حاشیه‌نشینی بر ابعاد مختلف توسعه اجتماعی تأثیرگذار است.

نتیجه آماری تأثیر حاشیه‌نشینی بر توسعه سیاسی: در رابطه با تأثیر متغیر حاشیه‌نشینی در بعد توسعه سیاسی بر مشارکت سیاسی طبق آزمون ضریب همبستگی پیرسون (I) برابر با  $(I=۱۶۶)$  و سطح معناداری  $(۰/۰۰۲)$  است که نشان‌دهنده رابطه در جهت مثبت است. به این معنا که حاشیه‌نشینی در بعد توسعه سیاسی بر مشارکت سیاسی تأثیر داشته است و در مناطق

حاشیه‌نشین شاخص‌های مشارکت سیاسی بالا است. در رابطه با تأثیر متغیر حاشیه‌نشینی در توسعه سیاسی بر عدالت و برابری طبق آزمون ضریب همبستگی پیرسون ( $r$ ) برابر با ( $r=129$ ) و سطح معناداری ( $0/013$ ) است که نشان‌دهنده رابطه در جهت مثبت است. به این معنا که حاشیه‌نشینی در توسعه سیاسی بر عدالت و برابری تأثیر داشته است. در نهایت تأثیر متغیر حاشیه‌نشینی بر احساس آزادی طبق آزمون ضریب همبستگی پیرسون ( $r$ ) برابر با ( $r=-0/051$ ) و سطح معناداری ( $0/331$ )، است، به این معنا که حاشیه‌نشینی در بعد توسعه سیاسی بر سطح احساس آزادی افراد تأثیر نداشته است.

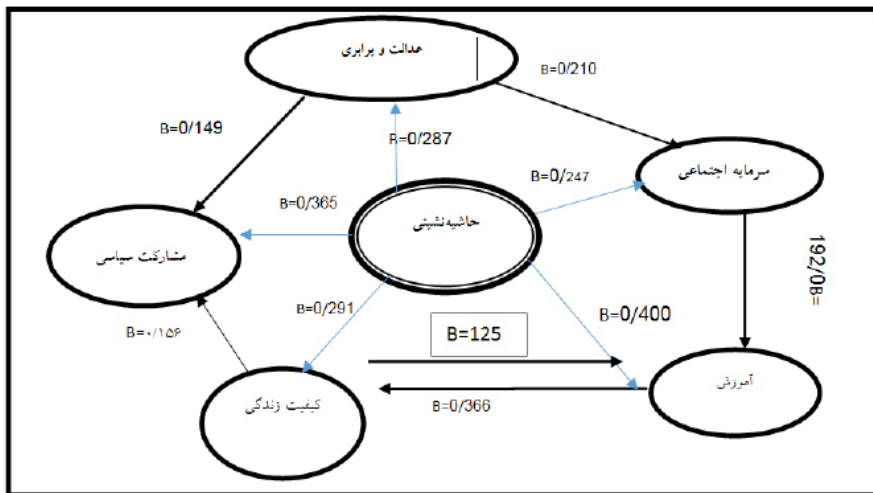
### خروجی رگرسیون چند متغیره به روش جبری - اثرات حاشیه‌نشینی

برای تبیین سهم تأثیر حاشیه‌نشینی بر توسعه سیاسی - اجتماعی، متغیرهای تأثیرگذار وارد آزمون رگرسیون شده‌اند. متغیرها احساس آزادی به عنوان متغیری بودند که به دلیل عدم معناداری بر متغیر وابسته تأثیرگذار نبود؛ لذا از مدل حذف شد.

جدول شماره (۳) خروجی رگرسیون چند متغیره به روش جبری تأثیر حاشیه‌نشینی بر توسعه

#### سیاسی - اجتماعی

عنوان متغیر	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد	
	B	اشتباه استاندارد	Beta	مقدار T
عدد ثابت (Constant)	-۴/۰۸۳	۲/۸۹۲	-	-۱/۴۱۲
کیفیت زندگی	۱/۰۶۱	۰/۱۴۱	۰/۲۹۱	۷/۵۴۳
مشارکت سیاسی	۱/۹۰۵	۰/۱۹۶	۰/۳۶۵	۹/۷۳۱
سرمایه اجتماعی	۰/۷۱۴	۰/۱۰۷	۰/۲۴۷	۶/۶۶۱
عدالت و برابری	۱/۰۱۱	۰/۱۲۸	۰/۲۸۷	۷/۸۷۲
آموزش	۱/۳۲۴	۰/۱۲۷	۰/۴۰۰	۱۰/۴۳۴
احساس آزادی	-۰/۰۲۹	۰/۱۵۱	-۰/۰۰۷	-۰/۱۹۰



مدل تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر میزان تأثیر حاشیه‌نشینی بر توسعه سیاسی-اجتماعی

تفسیر: بر مبنای مدل تحلیل مسیر تأثیر حاشیه‌نشینی بر توسعه سیاسی-اجتماعی می‌توان گفت:

۱. حاشیه‌نشینی به‌طور مستقیم بر سرمایه اجتماعی ( $0/247$ ) و عدالت و برابری (به میزان  $0/287$ )، آموزش (به میزان  $0/400$ )، مشارکت سیاسی (به میزان  $0/365$ ) و کیفیت زندگی (به میزان  $0/291$ ) تأثیرگذار است.
۲. شاخص آموزش، به‌طور مستقیم بر سرمایه اجتماعی (به میزان  $0/192$ ) و کیفیت زندگی ( $0/366$ ) تأثیرگذار است.
۳. شاخص عدالت و برابری به‌طور مستقیم بر سرمایه اجتماعی (به میزان  $0/210$ ) و مشارکت سیاسی (به میزان  $0/149$ ) تأثیرگذار است.
۴. کیفیت زندگی به‌طور مستقیم بر آموزش (به میزان  $0/366$ ) و مشارکت سیاسی (به میزان  $0/156$ ) تأثیرگذار است.

جدول شماره (۴) تحلیل مسیر تأثیر حاشیه‌نشینی بر توسعه سیاسی-اجتماعی

انواع تأثیر ضرایب مسیر (Bi) بر تأثیر حاشیه‌نشینی بر توسعه سیاسی-اجتماعی			
تأثیر حاشیه‌نشینی بر توسعه سیاسی-اجتماعی	تأثیر مستقیم	تأثیرات غیرمستقیم	مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم
کیفیت زندگی	۰/۲۹۱	۰/۳۶۶	۰/۶۵۷
سرمایه اجتماعی	۰/۲۴۷	۰/۴۰۲	۰/۶۴۹
آموزش	۰/۴۰۰	۰/۱۲۵	۰/۵۲۵
عدالت و برابری	۰/۲۸۷	-	۰/۲۸۷
مشارکت سیاسی	۰/۳۶۵	۰/۳۰۵	۰/۶۷۰
مجموع تأثیرات	۱/۵۹۰	۱/۱۹۸	۲/۷۸۸

طبق جدول (۵) سعی شده در قالب تحلیل مسیر تأثیر حاشیه‌نشینی بر توسعه اجتماعی-سیاسی، به ترسیم نیکوئی برآزش مُدل نظری پرداخته شود. لذا در بیشترین و قوی‌ترین تأثیر حاشیه‌نشینی بر توسعه سیاسی-اجتماعی، می‌توان به تأثیر مستقیم متغیر آموزش (به میزان ۰/۴۰۰)، مشارکت سیاسی (به میزان ۰/۳۶۵)، کیفیت زندگی (به میزان ۰/۲۹۱)، عدالت و برابری (به میزان ۰/۲۸۷) و سرمایه اجتماعی (به میزان ۰/۲۴۷) اشاره کرد.

در کل ضریب تعیین تحلیل مسیر  $R^2 = 1 - e^2 = 1 - 0/755 = 0/245$  عدد ۰/۲۴۵ را نشان می‌دهد. این بدان معناست که متغیرهای موردبررسی ۷۵/۵ درصد از واریانس میزان تأثیر حاشیه‌نشینی بر توسعه سیاسی-اجتماعی (متغیر وابسته نهایی) را تبیین نموده و ۲۴/۵ درصد واریانس میزان تأثیر حاشیه‌نشینی بر توسعه سیاسی-اجتماعی (متغیر وابسته نهایی) مربوط به متغیرهایی است که در تحقیق پیش‌بینی نشده‌اند  $1 - 0/755 = 0/245$  مقدار واریانس تبیین نشده است. بنابراین همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود مقدار ضریب تعیین برابر است با:  $R^2 = 0/75$  به این معنی که متغیرهای موجود در این تحقیق می‌توانند تا ۷۵ درصد میزان تأثیر حاشیه‌نشینی بر توسعه سیاسی-اجتماعی را توضیح دهند یا تبیین کنند و ۲۵ درصد نیز به عوامل دیگری وابسته است که در این تحقیق نیامده است.

## نتیجه‌گیری

حاشیه‌نشینی در بعضی از جوامع، معلول کشش طبیعی قطب‌های صنعتی، شغلی، رفاهی و اداری است و در بعضی دیگر از جوامع، بیکاری، مهاجرت و فقر عامل آن است. مناطق حاشیه‌نشین فرهنگ مخصوص خود را دارند که بازتاب شیوه زندگی طبقات پایین اجتماع است که به‌عنوان فرهنگ فقر شناخته می‌شود. حاشیه‌نشینی یکی از معضلات و آسیب‌های مهم شهرنشینی در کشورهای جهان، به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه می‌باشد؛ اگرچه این پدیده در کشورهای جهان به گونه‌های متفاوتی رخ می‌نماید؛ اما با این وجود این پدیده در همه‌جا تقریباً ویژگی‌ها و مشخصه‌های مشترکی دارد. در پی گسترش بی‌رویه شهر تهران در دهه‌های اخیر زمینه شکل‌گیری مناطق حاشیه‌ای به وجود آمد و بدین سبب این شهر خاستگاه ظهور ناپایداری شد. این ناپایداری حاصل برآیند نیروهای درون‌زا و برون‌زا و فرایند عوامل مؤثر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی است که در بستر زمان در یک حرکت مستمر و پویا در حال جریان است. با توجه به اهمیت حاشیه‌نشینی و تأثیری که بر ابعاد مختلف توسعه می‌گذارد؛ این مقاله به بررسی تأثیر حاشیه‌نشینی بر توسعه سیاسی - اجتماعی در کلان‌شهر تهران پرداخته است. حاشیه‌نشینی افراد را درگیر معیشت روزمره می‌کند و همین عامل باعث شده که به ابعاد دیگر زندگی کمتر توجه شود. در این راستا فوکو «رهیافت زیست در حاشیه» را بیان می‌کند تا نشان دهد در این مناطق توسعه تا چه حد در سطح نازلی وجود دارد. پل سینجر نیز پدیده حاشیه‌نشینی در شهرها را با توجه به شرایط اجتماعی - اقتصادی و سیاسی تبیین می‌کند.

● همان‌طور که در بخش آماری نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داده شد، طبق آزمون پیرسون حاشیه‌نشینی بر توسعه سیاسی تأثیرگذار است و همان‌طور که در اثرات بعد سیاسی از طریق تحلیل مسیر به روش جبری در رگرسیون چندگانه مطرح شد در بیشترین قوی‌ترین اثرات حاشیه‌نشینی، می‌توان به اثر مثبت و مستقیم آن بر متغیر مشارکت سیاسی (به میزان ۰/۳۶۵) اشاره نمود، مشارکت سیاسی شامل مطالبات بیان‌شده از مراکز دولتی در زمینه عمران و توسعه محله، همکاری نسبت به برگزاری انتخابات، مشارکت در فعالیت‌های حزبی، شرکت در انتخابات و رأی دادن به کاندیدها، طرفداری از نظام، شرکت در راهپیمایی و مناسبت‌های سیاسی و مذهبی، می‌شود. بنابراین مناطق حاشیه‌نشین

کلان‌شهر تهران، ساختاری مملو از تبعیض، تفاوت و بی‌عدالتی، ساختاری مبتنی بر تقسیم ناعادلانه ثروت ملی حاکم است. در این راستا ممدوح و همکاران (۲۰۱۷)، نشان می‌دهند که حاشیه‌نشینی، چگونه توانسته است توسعه سیاسی را با چالش عمده مواجه کند.

بعد از مشارکت سیاسی، حاشیه‌نشینی بیشترین تأثیر را بر احساس عدالت و برابری (به میزان ۰/۲۸۷) دارد، عدالت و برابری با این مفاهیم سنجیده شده: دسترسی مردم به حداقل درآمد برای زندگی آبرومند، احساس عدالت در بین مردم، برابری دسترسی در مقابل قانون، مقررات عمومی و امتیازات اجتماعی، واگذاری شغل‌ها به افراد متناسب با شایستگی (قابلیت)، فرار از دست قانون، خطاکارانی که پارتی یا پول دارند، رعایت حق و حقوق قومیت‌ها، حضور مداوم مسئولین در منطقه برای رسیدی به مشکلات، اجرای قانون یکسان برای همه مردم. بنابراین زندگی در مناطق حاشیه‌ای کلان‌شهر تهران، باعث تأثیرگذاری بر احساس عدالت و برابری شده است، به طوری که حاشیه‌نشینان کمتر احساس عدالت و برابری دارند. می‌توان ادعا نمود مناطق حاشیه‌نشین تهران از شاخص‌های مشارکت سیاسی و احساس عدالت و برابری مناسبی برخوردار نیستند. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های تحقیق (محمد امینی و عزیزاده اقدم، ۱۳۹۱)، همسو است. لوسین پای و (مور، ۱۳۶۹) توسعه سیاسی را مستلزم افزایش ظرفیت نظام در پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های مردم، پیدایش و رشد دموکراسی در جامعه می‌دانند.

در رابطه با تأثیر متغیر حاشیه‌نشینی بر احساس آزادی طبق آزمون مشاهده گردید که رابطه معناداری وجود ندارد. ضریب برابر با  $(r = -0/051)$  و سطح معناداری  $(0/331)$  است، احساس آزادی با این گویه‌ها سنجیده شده است: احساس بیان آزادی، آزادی مطبوعات و رسانه‌ها، مجاز بودن تلاش‌های حزبی طبق قانون اساسی، وجود فضا و امکان ابراز مخالفت به مدیریت سیاسی، احساس آرامش و امنیت در منطقه سکونت. به این معنا که حاشیه‌نشینی در بعد توسعه سیاسی بر سطح احساس آزادی افراد تأثیر نداشته است.

● حاشیه‌نشینی از بعد دیگر از میان اثرات توسعه اجتماعی عبارت‌اند از: کیفیت زندگی، سرمایه اجتماعی و سطح آموزش از طریق تحلیل مسیر مطرح نشان داد که در بیشترین و قوی‌ترین اثرات، می‌توان به اثر مستقیم بر متغیرهای آموزش (به میزان ۰/۴۰۰)، اشاره نمود. افرادی که در مناطق حاشیه‌نشین کلان‌شهر تهران هستند عموماً در سطح مطلوبی

از داشتن مدرک تحصیلی، گواهینامه‌های مهارتی، کارت عضویت کتابخانه عمومی، انجمن‌های فرهنگی، هنری، ادبی، برخوردار نیستند. عدم وجود مهارت فنی کافی، سطح نازل آموزش و پرورش و سواد منجر به ناآگاهی می‌شود و توسعه‌نیافتگی را تشدید می‌نماید. این امر با یافته‌های پژوهش با نتایج تحقیق (برادران و همکاران، ۱۳۹۶) همسو است.

حاشیه‌نشینی بعد از آموزش بر کیفیت زندگی تأثیر می‌گذارد، کیفیت زندگی با شاخص‌هایی چون کیفیت زندگی سلامت فیزیکی، سلامت روانی، سلامت اجتماعی و سلامت محیطی (به میزان ۰/۲۹۱) و سپس بر سرمایه اجتماعی با شاخص‌های چون تعلق اجتماعی، مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی (به میزان ۰/۲۴۷)، اثرگذار است. به این ترتیب حاشیه‌نشینی باعث می‌شود سطح آموزش، کیفیت زندگی، سرمایه اجتماعی افراد تقلیل یابد در نتیجه توسعه اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین کلان‌شهر تهران از سطح مطلوبی برخوردار نیست. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های تحقیقات میهای و همکاران (۲۰۱۸)، فاریدا (۲۰۱۳)، لیزهنگ (۲۰۱۱)، هم‌راستا است چون همگی این پژوهشگران تأثیر حاشیه‌نشینی بر کیفیت زندگی را نشان داده‌اند. اندیشمندان مکتب لیبرال معتقدند که تراکم شدید جمعیت، در این گونه مناطق هرگونه کوشش برای توسعه اجتماعی و بهبود سطح زندگی (مسکن، اشتغال، درآمد) و محو پدیده فقر و حاشیه‌نشینی در این کشورها را بی‌نتیجه می‌گذارد. (فیلیس، ۲۰۰۶) کیفیت زندگی در این مناطق از سطح مناسبی برخوردار نیست.

در نهایت با توجه به نتیجه کلی تحقیق، با نتیجه تحقیق بی‌بردلی بزا (۲۰۱۸)، تا حد زیادی همسو است زیرا در تحقیق خود تأثیر حاشیه‌نشینی را بر توسعه از ابعاد گوناگون نشان داده است. در این تحقیق هم نشان داده شد مناطق حاشیه‌نشین کلان‌شهرها، به‌ویژه تهران از نظر توسعه سیاسی و اجتماعی در سطح پایینی قرار دارند. طی سال‌ها گروه‌های کم‌درآمد در پیرامون تهران، اسکان غیررسمی پیدا کردند. پس از پایان جنگ، مرحله مهمی در تحول الگوی اسکان تهی‌دستان شهری در منطقه تهران آغاز می‌شود. در دهه اخیر سکونتگاه‌های غیررسمی دور از شهر، نقش اصلی را در اسکان تهی‌دستان شهری ایفا می‌کند. از آنجاکه غالباً مناطق حاشیه‌نشین کلان‌شهر تهران به صورت بی‌رویه، کنترل و سازماندهی نشده به وجود آمده‌اند اما از دید اجتماعی ضروری است که با شناخت مسائل و مشکلات حاشیه‌نشینان



راه‌حل اساسی در ارتباط با برطرف کردن نیازهای این قشر عظیم ارائه داد از جمله مهم‌ترین آن:

- با ارتقا سطح کمی و کیفی و توسعه اقتصاد و خدمات‌رسانی به مبدأ مهاجرت و شهرهای کوچک از شکل‌گیری این‌گونه نواحی جلوگیری کرد.
- بهبود وضعیت حاشیه‌نشینان بدون توجه و همکاری سازمان‌های دولتی و عمومی خصوصاً شهرداری‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود. وجود مراکزی که زیر نظر شهرداری است در این مناطق می‌تواند به میزان چشم‌گیری برافزایش سطح کیفی مناطق حاشیه‌نشین مؤثر واقع گردد. برنامه‌ریزی مدیریت شهری در راستای اجرای طرح‌های چون بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده در کلان‌شهر، اجرای طرح‌های کارآفرینی و احداث کارگاه‌های کوچک جهت رفع بیکاری و افزایش سطح درآمد خانوار حاشیه‌نشین، توسعه خدمات بهداشتی، آموزشی و رفاهی در شهرها و روستاهایی که بالقوه آمادگی مهاجرت به حواشی کلان‌شهر را دارند، موجب کاهش حاشیه‌نشینی و کاهش تأثیرات منفی آن بر شهرها می‌گردد.
- همان‌طور که نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داد افراد از نظر سطح آموزش در مناطق حاشیه‌نشین ضعیف هستند. نظام آموزش پرورش و رسانه‌ها نیز در ایجاد مهاجرت به شهرها و نزول سطح کیفی حاشیه‌نشینی مؤثر بوده‌اند. باید برای حل ریشه‌ای بحران حاشیه‌نشینی با افزایش مراکز آموزشی نظیر مدرسه، دانشگاه و مؤسسات آموزشی سطح آموزش و پرورش را بالا برد و بر اساس انسان‌شناسی اسلامی و کرامت انسانی در جهت توانمندسازی این افراد گام برداشت. توانمندسازی اقشار کم‌برخوردار در بافت‌های مورد بحث با کنترل درونی و نظارت بیرونی بهترین راه‌حل است. فعالیت‌های فرهنگی که در سطح شهر و مرکز شهر انجام می‌شود به حاشیه شهر نیز کشیده شود، احداث سینما، سالن تئاتر و فرهنگسرا در این امر بسیار مفید است.
- حاشیه‌نشینی به کاهش سرمایه اجتماعی می‌انجامد بنابراین برای مقابله با آن با تشویق مردم جهت راه‌اندازی و گسترش سازمان‌های مردم‌نهاد، می‌توان سرمایه اجتماعی را فعال کرد تا به تدریج یک نظم درونی در محله شکل بگیرد و افراد محله نسبت به خودکفایی محله اقدامات لازم را انجام بدهند.

- راهکارهای رسمی همان راهکارهای نظارتی، قهری، پلیسی و قانونی است که مأموران نظارتی و پلیس‌ها در حاشیه شهرها حضور داشته باشند و مکان‌های استقرار پلیس در محله بیشتر شود.
- برای افزایش احساس برابری و عدالت در مناطق حاشیه‌نشین بایستی از نظر اقتصادی کارگاه‌ها و کارخانه‌های تولیدی ایجاد کرد و کارآفرینی را ترویج و حمایت نمود. فعالیت رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در کم کردن احساس بی‌عدالتی و نابرابری مفید است و باعث همگرایی فکری بین مردم مرکز شهر و حاشیه شهر برای احساس رضایت بیشتر می‌شود.
- ارتقای کیفیت سطح زندگی مناطق حاشیه‌نشین با تقویت بنیه اقتصادی همراه است بنابراین کارهایی نظیر احیاء بافت‌های فرسوده و ساماندهی حاشیه‌نشینی در شهرها موجب رفاه بیشتر و افزایش سطح کیفیت زندگی مردم می‌شود.
- افزایش میزان مشارکت سیاسی مناطق حاشیه‌نشین از طریق ایجاد نهادهای مردمی و محله‌ای، برای بیان مطالبه نیازهای جمعی صورت می‌پذیرد بنابراین بایستی برای اصلاح و تغییر بینش در جهت افزایش مشارکت و تأثیرگذاری در سرنوشت خود در این مناطق سرمایه‌گذاری نمود.

### پی‌نوشت

1. Value Capabilities
2. Value Expectations
3. Sustainability
4. Phillips
5. Phillips

## کتاب‌نامه

۱. آرون، ریمون. (۱۳۷۰). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، باقر پرهام، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۲. ازکیا، مصطفی. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی توسعه*. چاپ هفتم. تهران: مؤسسه نشر کلمه.
۳. اسدی خانوکی شایسته. (۱۳۹۳). «آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی حاشیه‌نشینان و ارائه راهبردها و راهکارهای عملی» (مطالعه موردی شهر کرمان). وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه کاشان - دانشکده علوم انسانی
۴. برادران، مراد؛ غفاری، غلامرضا؛ زاهدی، محمدجواد؛ ربیعی، علی. (۱۳۹۶). «حاشیه‌نشینی: تحلیل جامعه‌شناختی مسائل اجتماعی سیاست‌های مسکن و پدیده غیر رسمیت (بررسی نمونه میان‌آباد، اسلامشهر، تهران)»، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*. دوره هشتم. شماره اول. صص ۲۰۹-۲۳۱.
۵. پزشکی، محمد. (۱۳۹۵). *مبانی شناخت‌شناسی توسعه سیاسی ایران (رهیافت اجتهاد گرا)*. کتابخانه دیجیتالی تبیان.
۶. پورابراهیمی، فاطمه. (۱۳۹۲). «تحلیل اثرات سالخوردگی بر بازدارندگی توسعه اقتصادی - اجتماعی روستاهای بخش جلگه رُخ تربت حیدریه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه زابل.
۷. حاج یوسفی علی. (۱۳۸۱) «حاشیه‌نشینی و فرآیند تحول آن، هفت شهر»، *فصلنامه عمران و بهسازی شهری*، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان عمران و بهسازی شهری، سال سوم، شماره ۸ تهران.
۸. حسینی مرام، غزل. (۱۳۹۴). «بررسی پیامدهای فقر فرهنگی حاکم در سکونتگاه‌های غیررسمی بر بروز آسیب‌های اجتماعی». *دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی.
۹. زمرد بخش، شهناز. (۱۳۹۳). *بازیابی مفهوم توسعه سیاسی*. پایگاه علمی پژوهشی بصیرت.
۱۰. طاهرپور محدثه، منصور، احسان شریعت، آفاق رستمیان. (۱۳۹۹). «بررسی جامعه‌شناختی حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی»، *اولین کنفرانس ملی جغرافیا، گردشگری، منابع طبیعی و توسعه پایدار*.
۱۱. عابدینی عیسی، حسن صفدری مولان، علی آفاعلی پور، معصومه ابراهیمی. (۱۳۹۴). «الگوی نظری پیرامون حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی آن»، *دومین کنفرانس بین‌المللی آینده‌پژوهی، مدیریت و توسعه اقتصادی*.
۱۲. عباس زاده، محمد؛ مبارک بخشایش، مرتضی؛ بوداقی، علی. (۱۳۹۱). «کاربرد پدافند غیرعامل در امنیت شهری با تأکید بر محیط‌های حاشیه‌نشین شهر تبریز»، *فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان شرقی*. سال دوم. شماره ۷.
۱۳. عزیززاده اقدم محمد باقر و حمیده محمدامینی (۱۳۹۱)، «تحلیلی بر علل و پیامدهای شکل‌گیری مناطق

- حاشیه‌نشین با نگرش ویژه بر شهر خمین»، دوره ۱، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۱، صص ۱۲۱-۱۳۸.
۱۴. غلامی، روح‌الله؛ سیفی کفشگری، محسن؛ شهبازی، نجفعلی. (۱۳۹۲). «عوامل اقتصادی و اجتماعی حاشیه‌نشینی در ایران (مورد مطالعه کلان‌شهر تهران)»، فصلنامه آفاق امنیت، سال پنجم، شماره بیستم، ۱۶۷-۱۸۶.
۱۵. فاضلی، محمد و همکاران. (۱۳۹۲)، «توسعه اجتماعی، شاخص‌ها و جایگاه ایران در جهان»، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی. دوره دوم. شماره ۱.
۱۶. فیروزآبادی، سید احمد؛ حسینی، سیدرسول؛ قاسمی، روح‌اله. (۱۳۸۹). «مطالعه شاخص‌ها و رتبه توسعه اجتماعی در استان‌های کشور و رابطه آن با سرمایه اجتماعی»، فصلنامه رفاه اجتماعی. سال دهم. شماره ۳۷.
۱۷. کلانتری، خلیل. (۱۳۷۷). «مفهوم و معیارهای توسعه اجتماعی». مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره ۱۳۲-۱۳۱، صص ۲۲۰-۲۰۲.
۱۸. نظریان، اصغر و همکاران. (۱۳۹۵). «بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی مهاجران شهر شهریار، در سال ۱۳۸۸»، نشریه تحلیل فضایی مخاطرات محیطی. سال سوم. شماره ۳، صص ۱۱۵-۱۳۵.
۱۹. هادی پور، سکینه؛ زیوری، شهرزاد. (۱۳۹۳). «تأملی بر حاشیه‌نشینی و اثرگذاری آن بر امنیت اجتماعی (با تأکید بر شهر همدان)»، فصلنامه دانش انتظامی همدان. سال اول، شماره ۲.
۲۰. هاشم‌زهی، نوروز و آذررشتیانی. (۱۳۹۰)، آسیب‌های اجتماعی در کلان‌شهر تهران: (فرا تحلیل پژوهش‌های طلاق و حاشیه‌نشینی)، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.
۲۱. وفایی خسرو (۱۳۹۳)، «توسعه سیاسی و سیاست مدرن: آسیب‌ها و چالش‌های توسعه سیاسی در ایران معاصر»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۰، شماره ۲۹، زمستان ۱۳۹۳، صص ۷۵-۹۰.
22. Beau Bradley Beza, Jaime Hernández-Garcia (2018). From placemaking to sustainability citizenship: An evolution in the understanding of community realised public spaces in Bogotá's informal settlements. Journal of Place Management and Development. Volume: 11 Issue: 2.
23. Chuang, C.Y Chuang Y.K(2008), Gender differences in relationships between capital social and individual smoking and drinking behavior in Taiwan. Social, science and Medicine, No. 67,pp: 1321-1330
24. Farida Naceur (2013)Impact of urban upgrading on perceptions of safety in informal settlements: Case study of Bouakal. Batna. Frontiers of Architectural Research. Volume 2. Issue 4. December 2013. Pages 400-408.